



بچه‌ترین
روندهای
لیسی

۱

کارآگاه کرگدن

در باغ وحش مرموز

معماک پنگوئن گمشده

نویسنده‌ها:

پیلار لوئانو

آلخاندرو رودریگس

تصویرگر:

کلاودیا رانچی

مترجم:

کزوان آبهشت

هوپا
Hoops



کارآگاه‌گردن

من توی باغ وحش زندگی می‌کنم. همه فکر می‌کنند باغ وحش باید جای آرام و بی‌دردسری باشد. ولی باغ وحش ما فرق می‌کند، چون «همیشه» ماجرای مرموزی اتفاق می‌افتد که باید حلش کنم! وقتی بیکار می‌شوم، سعی می‌کنم سرم را گرم کنم: به شاخ بی‌نظیرم رسیدگی می‌کنم، شطرنج بازی می‌کنم، حسابی فکر می‌کنم و مهم‌تر از همه‌ی این‌ها، پاهایم را توی حوض محشر گلی فرو می‌برم!

هیچ چیز مثل یک حمام داغ و گلی حال یک کرگردن شکوهمند را جانمی‌آورد!

طوطی پلیس

من دستیار کارآگاه‌گردن هستم، اگر کمک‌های من نبود، کرگردن چطور می‌خواست تحقیقاتش را انجام دهد؟

کرگردن حواس جمع است، ولی خیلی‌یی‌یی‌یی‌یی کند است.

عوضش من حسابی تر و فرزرم. می‌توانم قایمکی به هر سوراخ سنبه‌ای سرک

بکشم، تماشا کنم، گوش کنم، جاسوسی کنم ...

البته یک کمی هم حواس پرتم و یک عالمه هم صبر و تحمل کم است. برای

همین هم همه‌اش هیجان زده می‌شوم، چون کار کارآگاهی حسابی هیجان‌انگیز

است!

بخش ۱

همان کرگدن



توجه، توجه!

محل زندگی کرگدن از تیره‌ی بینی شاخ‌ها

نژاد: کرگدن

کارآگاه کرگدن بینی شاخ

حل کننده‌ی پرونده‌های ساده، سخت و خیلی سخت

من و دوست خوبم طوطی پلیسه، زیر این تابلو نشسته بودیم. حوصله‌مان سر رفته بود و منتظر بودیم سروکله‌ی یک مشتری پیدا شود. این دیگر چه جور باغ وحشی بود؟ نه خبری از دزد بود، نه قاتل. نه کسی گم می‌شد و نه کسی خرابکاری می‌کرد.

هر سه ساعت یک بار، دو نفر مراقب از جلوی قفسم رد می شدند و می گفتند: «همه چیز امن و امانه!»

با خودم گفتم: «چه بی حال! معلومه توی جایی که این قدر آرومه، کار و کاسبی من اصلاً سکه نمی شه.»

درست وقتی می خواستیم تابلو را بیاوریم پایین، پنگوئنی تودل برو را دیدیم که داشت می آمد سمتمان. آن هم چه دلنشین و نازنین!
وقتی رسید جلویمان، ایستاد، سر تا پایمان را نگاهی کرد و چرخید و ...

برگشت.

سه قدم به چپ برداشت.

باز برگشت ...

صبرم تمام شد. پرسیدم: «تکلیف ما رو معلوم کن! قراره اولین مشتری ما باشی یا نه؟»



طوطی پلیسه هم صبرش تمام شده بود. پرواز کرد سمت او، نشست روی شانه‌اش و توی گوشش پیچ کرد. دیدم که پنگوئن خانم سرش را پایین و بالا کرد و عین خانم‌های حرف‌گوش‌کن راه افتاد دنبال طوطی پلیسه. بالاخره مشتری برایمان آمده بود!

دو دقیقه بعد، پنگوئن خانم کارولا آمد دفترم. نشست روبه‌رویم آن طرفِ میز کارم. منظورم این است که روی سنگِ ایوان قسم نشست. - خیلی نگرانم آقای کرگدن بینی‌شاخ‌نژاد! ...

پریدم توی حرفش: «کرگدن بینی‌شاخ، آقای کرگدن بینی‌شاخ.»
- آقای کرگدن بینی‌شاخ‌نژاد، سه روز از غیب شدن ...
باز پریدم وسط حرفش:

«می‌بخشید، کرگدن بینی‌شاخ. اسمم کرگدن بینی‌شاخه.»





یک قیل گم شده است؟ غذای شیرها را خذیده‌اند؟ سگ‌های آبی را مسموم کرده‌اند؟ خرس‌های پاندا را رنگی کرده‌اند؟ توی استخر خون ریخته؟ برای شغال نامه‌های تهدید آمیز فرستاده‌اند؟ چه کسی برای شتر مرغ تله کار گذاشته؟ چه کسی شب‌ها قلامینگوها را می‌ترساند؟ هوم ... همه‌ی این‌ها از اسرار این باغ وحش هستند.

می‌خواهید این پرونده‌ها را حل کنید؟ پس معطلش نکنید و بیایید پیش من. توی قفس سوم نشسته‌ام، توی حمام گل خودم. بله، این منم. کار آگاه‌گر کردن! منتظر پرونده‌ی بعدی! ... بوی هیجان را از همین حالا می‌شنوم.

پنگوئن کوچولو گم شده؟ یعنی کجا رفته؟ نکند بلایی سرش آمده باشد؟ این بار هم کار آگاه‌گر کردن با کار آگاه‌بازی‌های خودش قرار است این معما را حل کند.



© copyright

www.heopa.it

نشر هوپا

گروه سنی

۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲

یا رعایت قانون کپی‌رایت

ISBN:978-800-865-567-1



9 786008 655671

قیمت: ۱۱۰۰۰ تومان

هوپا
Heopa